

اسرائیلیات، این بار در علوم غربی!

گفت‌وگو با دکتر ابراهیم فیاض

تهیه و تنظیم: محمدعلی روزبهانی

Examples of the disciplines related to literature and performing arts (including music, drama, communications and cultural studies) are sometimes described as "humanistic".

History is systematically collected information and interpretation of the record of human activities.

Edward Gibbon's well-respected work, *The History of the Decline and Fall of the Roman Empire*, is a literary work of art as it is a historical survey of the human condition.

علوم جدید غرب مانند اسرائیلیات است. اسرائیلی ها کارشان فتنه کردن است. آن ها حضرت موسی را با تحریف تورات به ابتدال کشیدند. در مورد حضرت مسیح و تاریخچه زندگی او و در مورد پیامبر ما نیز به همین کار روی آوردند. آنها علومی را که بر مبانی هر چند اندک دینی بنا شده باشد، بایکوت و سانسور می کنند. امروز روان شناسی فروید که یک روان شناس یهودی است و بر اساس این که انسان را موجودی شیطانی و یک گرگ تصور کرده است تدوین شده، رواج دارد، اما روان شناسی یونگ که با یک نگاه اخلاقی مسیحی نگاه شده است، رونقی ندارد. کتاب های

هایدگر هنوز به طور کامل در غرب منتشر نشده است و هر سال سه کتاب از او منتشر می شود که اعلام کرده اند انتشار ترجمه آثار او تا سال ۲۰۲۰ طول خواهد کشید. بسیاری از کتاب هایی که با نگاه

مسیحی نوشته شده اند، سانسور شده اند. من حتی نتوانستم برخی از این کتاب ها را در یکی از بزرگترین نمایشگاه های کتاب جهان در فرانکفورت آلمان پیدا کنم.

پویا: وضعیت علوم انسانی در ایران را چگونه می بینید؟
دکتر فیاض: متأسفانه ما حتی با علوم انسانی غرب آشنا نشده ایم و آنچه امروز به نام علوم انسانی در دانشگاه های ما تدریس می شود، صورتی کنگ، مبهم و ناقص از علوم غربی است. مانند این است که از یک کشور بسیار دور کسی به ایران بیاید و فلسفه اسلامی را از کتاب های رده دو و سه علمی ما مطالعه کند، بعد به کشورش برگردد و کتابی درباره فلسفه اسلامی بنویسد. او حتی قادر نیست فلسفه اسلامی در دانشگاه های ما را معرفی کند، چه برسد به این که بخواهد معارف اساتیدی چون علامه حسن زاده آملی و آیت الله انصاری شیرازی و آقای جوادی آملی را منتقل کند. همان طور که اگر کسی وسط دریا شناگری بلد نباشد، غرق خواهد شد،

پویا: به نظر شما ماهیت علوم تجربی و انسانی رایج چیست؟

دکتر فیاض: ما در جهان، علم غیر دینی نداریم. تمام علوم موجود دینی هستند و علم تجربی امروز که فلسفه آن ریشه در افکار کانت دارد، علم یهودی است. همه جهان تجلی خداوند است و ابزار شناخت جهان، شهود و علم حضوری است. در زمان حضرت موسی (علیه السلام) از سحر در برابر پیامبر الهی استفاده کرد، اما ایمان حضرت موسی (علیه السلام) سحر آنها را باطل کرد. علم غربی امروزی یک علم یهودی است. این که جمعیت زیادی از متفکران، فیزیکدان ها و

روان شناسان یهودی هستند و اگر مسیحی باشند، بسیاری پروتستان هستند، اتفاقی نیست.

ریشه همه علوم انسانی موجود، غربی است. نمی خواهم بحث را به خیل قدیم یعنی پیش از

مسیحیت و یهودیت ببرم. وقتی آثار کانت را مطالعه کنیم، متوجه می شویم که او علم یهودی را به مقولات دوازده گانه محدود می کند و سپس به علم تجربی می پردازد. شخصی هم زمان با او به نام سوندنبرگ، پس از مکاشفه و شهود به تألیف کتابی درباره تجربیات عرفانی اش اقدام می کند. پس از این، کانت در مقابله با او کتاب تندی می نویسد و با شهود مقابله می کند. ما دلمان خوش است که کانت ایده آلیست است، اما باید بدانیم با گذشت زمان کانت از آرای اولیه خود برمی گردد و حتی مقولات دوازده گانه را نیز تجربی می داند و همه آنها را محدود به زمان و مکان می داند. ما در همه حوزه های فرهنگی و جغرافیایی، تابع این دانش غربی هستیم

پویا: دلیل این که دانش موجود در جهان را یهودی می دانید، چیست؟

دکتر فیاض: ما در جهان علم نیز با سانسور و حذف مواجهیم.

هانری گرین می گوید: زمانی در استراسبورگ بودم و جنگل های سیاه آنجا را دیدم. منظور او از جنگل های سیاه، فلسفه های دیگر است. او می گوید از وقتی با فلسفه اسلامی آشنا شدم، از این فلسفه جنگل های سیاه مستغنی شدم.



... which study the human condition, using speculative, as distinguished from the mainly scientific approaches of the natural and social sciences

... humanities are ancient and modern languages, visual and performing arts (including music). The humanities are anthropology, area studies, though these are often regarded as social sciences. They are sometimes described as "humanists". However, that notion of humanism, which some "antihumanist" scholars in the humanities reject

... tion about the past. When used as the name of a discipline and interpretation of the record of humans, the term has changed over time. Knowledge of history is the study of past events and historical thinking skills. *The History of the Decline and Fall of the Roman Empire* is a literary work of art as it is a historical survey of the human condition. It is considered a part of the humanities. In modern times, history is occasionally classified as a social science.

... cal languages forms the backbone of modern academic study of the humanities.

The humanities are those academic disciplines which study the human condition, using speculative, as distinguished from the mainly scientific approaches of the natural and social sciences

ulative, as distinguished from the mainly
ranches of the natural and social sciences

es are ancient and modern languages,
nd performing arts (including music).
manities are anthropology, area studies,
ese are often regarded as social sciences.
described as "humanists". However, that
humanism, which some "antihumanist"
scholars in the humanities reject
about the past. When used as the name
interpretation of the record of humans,



ریشه همه علوم انسانی موجود، غربی است. وقتی آثار کانت را مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم که او علم شهودی را به مقولات دوازده‌گانه محدود می‌کند و سپس به علم تجربی می‌پردازد.

ما در جهان علم نیز با سانسور و حذف مواجهیم. علوم جدید غرب مانند اسرائیلیات است.

متأسفانه ما حتی با علوم انسانی غرب آشنا نشده‌ایم و آنچه امروز به نام علوم انسانی در دانشگاه‌های ما تدریس می‌شود، صورتی گنگ، مبهم و ناقص از علوم غربی است.

برخی مراکز پژوهشی به مطالعه درباره فلسفه‌های انگلوساکسون و بهره‌گیری از دانشگاه‌های آمریکا و کانادا روی آورده‌اند که این یک اشتباه است، زیرا این فلسفه‌ها شاخ و برگ‌های فلسفه غربند، نه ریشه‌های آن.

من به ارتباط میان سه حوزه مطالعاتی اعتقاد دارم. یعنی اگر کسی هر یک از این سه زمینه را به طور عمیق تحقیق و مطالعه کند، می‌تواند به حقیقت در دو زمینه دیگر دست یابد. این سه زمینه عبارتند از: اسلام‌شناسی، ایران‌شناسی و غرب‌شناسی.

هنوز بسیاری در حوزه و دانشگاه یک نگاه سکولار به دین دارند. روشنفکرهای ما هم غرب را نشناخته‌اند.

کتاب «فلسفه و روش رئالیسم» علامه طباطبایی که به قلم استاد مطهری تألیف شده است، به نظر من یک متن علمی تأسیسی است.

شناخت غرب هم شناگری می‌خواهد. تا مرزها و جغرافیای فکری این دریا را ندانی، نمی‌توانی از آن بیرون بیایی، غرق می‌شوی؛ یعنی همین‌طور دور خودت می‌چرخ و یک روز هم عمرت بر باد می‌رود و مرگت فرا می‌رسد.

ما هنوز به مرزهای علوم انسانی در غرب نرسیده‌ایم. برخی مراکز پژوهشی به مطالعه درباره فلسفه‌های انگلوساکسون و بهره‌گیری از دانشگاه‌های آمریکا و کانادا روی آورده‌اند که این یک اشتباه است، زیرا این فلسفه‌ها شاخ و برگ‌های فلسفه غربند، نه ریشه‌های آن. برای شناخت غرب باید از فیلسوفان آلمانی نظیر کانت، فویرباخ، هگل و نیچه آغاز کرد.

پویا: شما در مقالات خود به سه رشته مطالعات اشاره داشته‌اید و نیاز امروز ایران برای تولید علم را در این زمینه بیان کرده‌اید. ضرورت این گفت‌وگو چیست؟
دکتر فیاض: من به ارتباط میان سه حوزه مطالعاتی اعتقاد دارم. یعنی اگر کسی هر یک از این سه زمینه را به طور عمیق تحقیق و مطالعه کند، می‌تواند به حقیقت در دو زمینه دیگر دست یابد. این سه زمینه عبارتند از: اسلام‌شناسی، ایران‌شناسی و غرب‌شناسی. اگر انسان از دین شروع کند و جهان‌بینی خود را دریابد، آن‌گاه ناظر بر ایرانی بودن به عنوان مکان و بر غرب به عنوان زمان بتگر، به بازتولید علمی خواهد رسید. شهید مطهری اسلام‌شناس بود و از اسلام‌شناسی به غرب‌شناسی رسید. عبدالجسین زرین‌کوب، ایران‌شناس بود و در آخر، کتاب کارنامه اسلام را برای شهید مطهری نوشت. حمید عنایت یک استاد سیاست و غرب‌شناس بود که از شهید مطهری به بزرگی و عظمت یاد می‌کرد. هانری کربن هم ابتدا غرب‌شناس بود. او تحت تأثیر فلسفه یاسپرس و هایدگر قرار داشت. او می‌گوید زمانی در استراسبورگ بودم و جنگل‌های سیاه آنجا را دیدم. منظوری او از جنگل‌های سیاه، فلسفه هایدگر است. او می‌گوید از وقتی با فلسفه اسلامی آشنا شدم، از این

The humanities are those academic disciplines that use analytic, critical, or empirical methods that are largely analytic, critical, or empirical.

Examples of the disciplines related to humanities are literature, history, philosophy, religion, visual arts, and music. Additional subjects sometimes included in the humanities are communications and cultural studies, although the term also describes the philosophical position of the disciplines.

History is systematically collected information of a field of study, history refers to the study of societies, institutions, and any topic that has often said to encompass both knowledge and power. Edward Gibbon's well-respected work The History of the Decline and Fall of the Roman Empire is as much a study of history as it is a study of power. Traditionally, the study of history has been considered a part of the liberal arts and is often found in academia, history departments, and libraries.

The study of individual modern and classical history is a branch of the social sciences.

linguistic as a vital part of the social sciences, and the study of individual modern and classical history is a branch of the social sciences.

The humanities are those academic disciplines which study the speculative, as distinguished from methods that are largely analytic and critical, or speculative as distinguished from Examples of the disciplines related to humanities are ancient and performing arts (including music). Additional subjects such as communications and cultural studies, although these are often said to be sometimes described as "humanists". However, that term

History is systematically collected information about the past, and interpretation of the record of humans, societies, institutions, often said to be Edward Gibbon's well-respected work The History of the Decline and Fall of the Roman Empire.

پویا: انقلاب اسلامی بر روند تولید علم دینی چه تأثیری گذاشته است؟

دکتر فیاض: با ظهور انقلاب اسلامی، حوزه‌ها و دانشگاه‌های ما به وجود یک خلأ جدی و بحران تئوریک پی بردند؛ یعنی سؤال‌ها و نیازهای جدیدی تولید شده که حوزه و دانشگاه باید به آن پاسخ بدهند. انقلاب هم چنین جهان را به تلاطم فکری و ادراکات و گفت‌وگوهای رایج غرب را به چالش کشید. مسلمانان در کشورهای مختلف نظیر لبنان و حتی در اروپا خود را با توجه به فرهنگ آن کشورها بازتولید کرده‌اند. این انقلاب مسیر خودش را پیدا می‌کند و در خارج از مرزهای ایران نیز به جلو می‌رود. متأسفانه برخی دولت‌ها واقعیت این انقلاب را درک نکردند و ۱۶ سال با یک مبنای کاریکاتوری از غرب حکومت کردند. بعد این شد که آقای احمدی‌نژاد آمد و به گفت‌وگوهای انقلاب برگشت. این همه سال ما را به سمت غرب بردند که از انقلاب خلاص شوند، این آقا آمد ما را باز به انقلاب برگرداند. اگر برای واقعیت انقلاب و بحران‌های حاضر، تولید علم و دانش تئوریک کردیم، آن‌گاه یک پیشرفت و رشد سریع و جهش تمدنی در جهان خواهیم داشت.

پویا: از نگاه شما مقصد علم دینی چیست؟

دکتر فیاض: مقصد علم دینی یک جمله است که در دعای عهد امام زمان علیه السلام که خود عهد بار معنایی دارد، آمده است: **وَأَعْمُرِ اللَّهُمَّ بِلَهُمَّ**، و اُحْيِ بِلَهُمَّ بِلَهُمَّ؛ یعنی عمران سرزمین‌ها بدون این که مثل عالم امروز و از رویا دل‌مردگی بیاورد. هم عمران و آبادانی است و هم احیای فردی است. نه جامعه جای فرد را می‌گیرد، نه فرد جای جامعه و خانواده را می‌گیرد. معنویت پایین نمی‌آید و رشد و پیشرفت حاصل می‌شود و برای فساد راهی نیست. این مقصد، بلوغ کامل بشر است.

با ظهور انقلاب اسلامی، حوزه‌ها و دانشگاه‌های ما به وجود یک خلأ جدی و بحران تئوریک پی بردند؛ یعنی سؤال‌ها و نیازهای جدیدی تولید شده که حوزه و دانشگاه باید به آن پاسخ بدهند.

توصیه من به همه، بازگشت به قرآن است. من به دانشجویانم همیشه توصیه می‌کنم که بیاییم قرآن را یک‌بار هم که شده مانند یک متن علمی بخوانیم.

اگر برای واقعیت انقلاب و بحران‌های حاضر، تولید علم و دانش تئوریک کردیم، آن‌گاه یک پیشرفت و رشد سریع و جهش تمدنی در جهان خواهیم داشت.

مقصد علم دینی یک جمله است که در دعای عهد امام زمان علیه السلام که خود عهد بار معنایی دارد، آمده است: وَأَعْمُرِ اللَّهُمَّ بِلَهُمَّ، و اُحْيِ بِلَهُمَّ بِلَهُمَّ.

فلسفه جنگل‌های سیاه مستغنی شدم. پویا: چه آسیب‌ها و موانعی بر سر راه تولید علم دینی در کشور وجود دارد؟

دکتر فیاض: یکی از مشکلات امروز ما این است که در حوزه علوم دینی هنوز تولیدات زیادی نداریم و در بسیاری زمینه‌ها به نظریه‌پردازی نپرداخته‌ایم. متأسفانه بسیاری از مراکز آموزشی و پژوهشی و دانشگاه‌های ما برخلاف این روند پیش می‌روند. هنوز بسیاری در حوزه و دانشگاه یک نگاه سکولار به دین دارند. روشنفکرهای ما هم غرب را نشناخته‌اند. بازتولید ایرانی هگل و کانت کجاست؟ برخی چهار مفهوم غربی را مقلدوار برمی‌دارند و یک توهین به دین و روحانیت می‌کنند و قیافه می‌گیرند و چند نفر شلوغ‌کار و درس‌نخوان هم که مشکلات روحی و روانی به آنها فشار آورده است، برایشان کف و سوت می‌زنند. در حوزه هم مشکلات به گونه‌ای دیگر است. این می‌شود که شهید مطهری تعبیر می‌کند که بعد از شیخ انصاری، مجتهدهای ما مجتهد مقلد هستند.

مسئله فطرت که شهید مطهری بسیار بر آن اصرار می‌ورزد، بسیار مهم است و متأسفانه مغفول مانده است. همه غربی‌ها از کانت به بعد مشکلشان این است که فطرت را از یاد بردند. من در اکثر آثار آنان از خودبیگانگی می‌بینم. ما هنوز اسلام و ظرفیت‌های آن را نشناخته‌ایم. کتاب «فلسفه و روش رئالیسم» علامه طباطبایی که به قلم استاد مطهری تألیف شده است، به نظر من یک متن علمی تأسیسی است. ما عظمت علامه را هنوز درک نکرده‌ایم. چگونه است که هائری کرین از آن سوی عالم می‌آید و در محضر علامه طباطبایی زانو می‌زند. علامه طباطبایی برای زیارت آل‌یاسین می‌خواند و او به پهنای شیشه‌های عینکش اشک می‌ریزد. خودش صحیفه سجاده می‌خواند و گریه می‌کند.

پویا: شما چه راهکاری را برای تولید علم دینی پیشنهاد می‌کنید؟

دکتر فیاض: توصیه من به همه، بازگشت به قرآن است. من به دانشجویانم همیشه توصیه می‌کنم که بیاییم قرآن را یک‌بار هم که شده مانند یک متن علمی بخوانیم. همان‌طور که فلسفه ملاصدرا می‌خوانیم، صبح یک ساعت همگی توبه کنیم و قرآن بخوانیم. قرآن امروز در جامعه ما و در حوزه مهجور است. اگر قرآن مهجور باشد؛ یعنی از خدا مهجوریم. همین تلاوت و ترتیلی که قرآن می‌گوید را عمل کنیم و آن را بخوانیم. حضرت امام خمینی علیه السلام به سید احمد می‌گوید: **پسرم قرآن بخوان، نگو بدون تدبیر خواندن فلان است.** یعنی گفته‌اند قرآن را هر طور که می‌توانید، بخوانید. آن‌قدر باید قرآن خواند تا ملکه انسان شود و انسان از روی آن فکر کند تا جهان‌پدیداری (جهان‌بینی) ما بر مبنای آن بنا شود. ما وقتمان را با چیزهای دیگر تلف می‌کنیم. اگر قدری پاک باشیم و تقوا داشته باشیم، حتماً قرآن بر ما تجلی می‌کند.

